

تخریب کیفری ساده در نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ویلز

امیر اعتمادی⁻

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2025.2047393.2253>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰]

چکیده

در میان جرایم علیه اموال و مالکیت، تخریب کیفری وضعیت خاصی دارد، چراکه تحقق آن مستلزم ایراد خسارت به مال متعلق به دیگری است. در فقه اسلامی، اتلاف مال متعلق به غیر بدون اذن صاحب آن، از مصادیق تعدی به دیگری قلمداد شده است که حق مؤاخذه و مطالبه را برای طرف متضرر به وجود می‌آورد. در نظام حقوقی ایران، تخریب کیفری ساده، برحسب اینکه به وسیله ایجاد آتش‌سوزی ارتکاب یابد یا به وسیله دیگری، به ترتیب در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است. در مقابل، در نظام حقوقی انگلستان و ویلز، تخریب کیفری در مفهوم عام (شامل احراق) در ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. پیش‌بینی شده است. بررسی تطبیقی عنصرهای سازنده تخریب کیفری ساده در نظام‌های حقوقی مذکور، با تکیه بر مواد قانونی پیش‌گفته، حکایت از این دارد که قانون‌گذار ایرانی، با استفاده از برخی عبارات‌های ابهام‌برانگیز، اختلاف‌نظرهایی را در تفکیک اجزای سازنده عنصر مادی جرم تخریب ساده به وجود آورده و از مواردی هم که مرتکب این جرم از حالت ذهنی بالاتر از تقصیر جزایی و پایین‌تر از قصد برخوردار است، غفلت ورزیده است. بر این اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد برآمده است که از رهگذر تحلیل جرم تخریب ساده در ایران، انگلستان و ویلز، راهکارهایی مانند لزوم استفاده از عبارات‌های روشن‌تر برای تفکیک رفتار مجرمانه از نتیجه حاصله در این جرم و پیش‌بینی بی‌پروایی به‌منزله‌گونه مستقلی از عنصر روانی را به‌منظور مقابله مؤثرتر با تخریبگران اموال، به قانون‌گذار پیشنهاد بدهد.

واژگان کلیدی: آتش زدن؛ احراق؛ از بین بردن؛ بی‌پروایی؛ تخریب کیفری؛ قصد؛ مال متعلق به دیگری.



۱. مقدمه

ارتکاب جرایم مختلفی که زیرمجموعه جرایم مالی^۱ قرار می‌گیرند، از قبیل جرایم کلاهبرداری و سرقت، به‌طور معمول، باعث ایراد خسارت به اموال دیگران نمی‌شود، بلکه توأم با نقض حق‌های مالی^۲ آن‌ها است. در این میان، تخریب کیفری وضعیت استثنایی دارد، زیرا تحقق این جرم با ایراد خسارت به مال متعلق به دیگری ملازمه دارد. از این رو، گاهی اوقات استفاده از اصطلاح جرایم علیه اموال^۳ یا جرایم علیه اموال و مالکیت^۴ در خصوص جرایم مورد بحث ترجیح داده می‌شود. در فقه اسلامی، با توجه به آیه شریفه «پس هر کس بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن، بر او تعدی کنید»،^۵ اتلاف مال متعلق به غیر بدون اذن صاحب آن، از مصادیق تعدی به دیگری قلمداد شده است که حق مؤاخذه و مطالبه را برای طرف متضرر به وجود می‌آورد. آیه مذکور از مستندات قاعده اتلاف است که به موجب آن، هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است. در این خصوص، گفته شده که براساس اطلاقات ادله قاعده اتلاف، شخصی که با عمل خود باعث تلف مال دیگری می‌شود، ضامن و ملزم به جبران خسارت است، اعم از اینکه از روی عمد و علم اقدام کرده، یا بدون قصد، عملش چنین نتیجه‌ای داده باشد. البته، بی‌گمان احراز انتساب عمل به فاعل ضروری است.^۶

بنابراین، به‌رغم اینکه جایگاه اصلی بحث از قاعده اتلاف که طبق آن به جبران خسارت حکم داده می‌شود، در حقوق مدنی است، کسی که مال متعلق به دیگری را به‌طور کلی یا جزئی از بین می‌برد، درحالی که قصد مجرمانه داشته است، به دلیل اینکه اموال و گاه حیات دیگران را به مخاطره می‌اندازد، همچنان متعدی محسوب می‌شود و مطابق با همان ادله، مستوجب کیفر خواهد بود. در این راستا، آمارهای جرم حکایت از ارتکاب شمار درخور توجهی از جرایم تخریب دارند، گرچه در برهه‌های زمانی خاصی ممکن است با کاهش‌هایی روبه‌رو شده باشند. برای مثال، مطالعه جرم انگلستان و ویلز (م.ج.ا.و.)^۷ میزان کلی تخریب

1. Property offences.

2. Property rights.

3. Offences against property.

4. Offences against property and ownership.

5. سوره بقره، آیه ۱۹۴: فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ.

6. سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت-مسئولیت) (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۰)، ۱۴۸ و ۱۵۳.

7. Crime Survey for England and Wales (CSEW).

کیفری در سال منتهی به دسامبر ۲۰۱۹م. را یک میلیون جرم اعلام کرده است.^۸ با وجود این، داده‌های مرکز مطالعه جرم انگلستان و ویلز روشن می‌سازد که تخریب کیفری در سال منتهی به مارس ۲۰۲۰م. روند نزولی داشته است، به نحوی که رقم آن با کاهش ۱۳ درصدی، به کمتر از یک میلیون جرم رسیده است.^۹

در حقوق کیفری ایران، بررسی اجمالی مواد قانونی مرتبط با تخریب کیفری روشن می‌سازد که هرچند قانون‌گذار، با وضع انبوهی از مواد قانونی، مصادیق مختلفی از این جرم را پیش‌بینی کرده است، به‌طور خاص، در آنچه می‌توان زیر عنوان تخریب کیفری ساده از آن یاد کرد، با استفاده از برخی واژه‌ها و عبارات‌ها، ابهام‌هایی را برای حقوق‌دانان کیفری و مراجع قضایی از حیث تفکیک اجزای سازنده عنصر مادی آن ایجاد کرده و به مواردی هم که مرتکب از عنصر روانی نزدیک به قصد برخوردار است، اساساً توجهی نداشته است. بر این اساس، نوشتار حاضر با تحلیل جرم تخریب کیفری ساده در نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ویلز، درصدد پاسخ‌گویی به این است که رویکرد اتخاذشده در برابر مرتکبان تخریب کیفری در نظام‌های کیفری مذکور چگونه ارزیابی می‌شود. وجوه افتراق و اشتراک عنصرهای سازنده تخریب کیفری ساده در نظام‌های حقوقی یادشده کدام‌اند و راهکارهای مؤثر برای مقابله با تخریب‌گران شامل چه مواردی می‌شوند. در پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا مفهوم قانونی تخریب کیفری ساده تبیین می‌شود، و سپس، با کنکاش در عنصر مادی و عنصر روانی جرم مزبور و همچنین مجازات آن، به نتیجه‌گیری و ارائه راهکار پرداخته خواهد شد.

۲. تبیین مفهوم قانونی تخریب کیفری ساده

در حقوق ایران، جرم تخریب ساده که ممکن است از طریق آتش زدن نیز ارتکاب یابد، در مواد قانونی زیر پیش‌بینی شده است:

از یک طرف، ماده ۶۷۶ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ درباره احراق ساده اعلام می‌کند: «هرکس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد»، و از طرف دیگر، ماده ۶۷۷ همان قانون (اصلاحی ۱۳۹۹)، درمورد تخریب

8. "Crime in England and Wales: year ending December 2019," *Office for National Statistics* (2020): 18.

9. "Crime in England and Wales: Year ending March 2020," *Office for National Statistics* (2020): 25.

ساده در معنای خاص که شامل احراق مال دیگری نمی‌شود، اشعار می‌دارد: «هرکس عمداً اشیای منقول و یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید، یا به هر نحو، کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از شش ماه تا سه سال و در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد، به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد.»

از آنجاکه قانون‌گذار ایرانی تعریفی از جرم تخریب ساده ارائه نکرده، مناسب است که نخست مفهوم لغوی و اصطلاحی برخی واژه‌های مرتبط با این جرم بررسی شوند. «تخریب» که در اصل، واژه‌ای عربی است، به معنای خراب و ویران کردن، از کار انداختن و تباه نمودن آمده است.^{۱۰} یکی از معادل‌هایی که برای این اصطلاح ذکر شده، «خراب‌کاری» است^{۱۱} و برای واژه خراب‌کاری، چند معنا بیان شده است که عبارت‌اند از: بر هم زدن نظم و ساختار متداول یا طبیعی چیزی، خراب و یا ویران کردن.^{۱۲} ناگفته پیداست که بین دو اصطلاح اخیر هم‌پوشی وجود دارد. اما «تلف کردن» نیز معانی مشابهی، از جمله از بین بردن، خراب و فاسد کردن یا هدر دادن چیزی؛ هلاک کردن و کشتن دارد.^{۱۳} در اصطلاح، اتلاف جزایی تجاوز مادی به مال غیر به صورت تخریب، حرق و یا تباه کردن تعریف شده است.^{۱۴} باید متذکر شد که استفاده از قید «کیفری» در اصطلاح تخریب کیفری، از این جهت است که بر عمدی بودن رفتار ارتكابی، و در نتیجه، لزوم دخالت حقوق کیفری تأکید شده باشد. بنابراین، تخریب کیفری ساده را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد: از بین بردن یا خسارت رساندن عمدی به مال متعلق به دیگری، به وسیله حریق یا هر شیوه دیگری.

تعریف بالا جرایم تخریب و احراق را پوشش می‌دهد، زیرا مرتکب در هریک از مصادیق جرایم مورد بحث، مالی را که متعلق به شخص دیگری است، حسب مورد به طور کامل از بین می‌برد یا خسارتی به آن وارد می‌کند، در حالی که رفتار ارتكابی را از روی عمد انجام داده است. وسیله ارتكاب ممکن است ایجاد حریق باشد یا وسیله و شیوه دیگر. عبارت‌هایی مانند «به هر نحو» در برخی مواد قانونی مربوط به جرایم تخریب، تأکیدی بر همین مسئله است.

در مقابل، در حقوق انگلستان و ویلز، تخریب کیفری ساده (شامل احراق) در

۱۰. حسن انوری و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۳ (تهران: سخن، ۱۳۹۳)، ۱۶۵۶.
۱۱. خلیل جَز، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، ترجمه سید حمید طبیبیان، جلد ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶)، ۵۴۱.
۱۲. انوری و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، ۴: ۲۷۰۳-۲۷۰۴.
۱۳. انوری و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، ۳: ۱۸۷۳.
۱۴. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۱ (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸)، ۳۶۶.

بندهای (۱) و (۳) از ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م.^{۱۵} پیش‌بینی شده است: «(۱) شخصی که بدون عذر قانونی، هرگونه مال متعلق به دیگری را از بین ببرد یا خسارت وارد آورد، درحالی‌که قصد از بین بردن یا خسارت رساندن به هرگونه از چنین اموالی را دارد یا نسبت به اینکه آیا چنین مالی از بین می‌رود یا خسارت می‌بیند، بی‌پروا باشد، مقصر به جرم خواهد بود. (۳) جرمی که طبق این ماده با از بین بردن یا خسارت وارد آوردن به مال به‌وسیله حریق ارتکاب یابد، باید به‌عنوان احراق مورد اتهام قرار گیرد.»

باید متذکر شد که مجازات جرم مذکور در بند (۲) ماده ۴ قانون بالا مقرر شده است و این بند که در واقع، جزئی از عنصر قانونی تخریب کیفری ساده به شمار می‌آید، در بحث از مجازات این جرم بررسی می‌شود. افزون‌براین، در انگلستان و ویلز، به‌رغم اینکه تخریب کیفری در کامن‌لا محدود به احراق می‌شد و احراق نیز در مفهوم خاص سوزاندن عمدی و با سوءنیت خانه مسکونی دیگری آمده بود،^{۱۶} با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون تخریب ۱۹۷۱ م.، تخریب کیفری در مفهوم عام (شامل احراق) جرم‌انگاری و برخی جرایم مرتبط^{۱۷} هم پیش‌بینی شد. فرهنگ حقوقی آکسفورد در تعریفی از تخریب کیفری آورده است: «جرم از بین بردن یا خسارت رساندن عمدی یا بی‌پروایانه به هر مال متعلق به دیگری، بدون عذر قانونی.»^{۱۸}

این تعریف به‌طور دقیقی، مبتنی بر مفاد بند (۱) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. است. قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی در بند مذکور، به نوع خاصی از رفتار یا وسیله برای از بین بردن یا خسارت رساندن به مال متعلق به غیر اشاره نکرده است، ولی طبق بند (۳) ماده ۱ قانون بالا، در مواردی که از بین بردن یا خسارت رساندن به مال به‌وسیله حرق باشد، لازم است زیر عنوان احراق مورد اتهام قرار گیرد.

15. Criminal Damage Act 1971.

16. Steven H. Gifis, *Law Dictionary* (New York: Barron's Educational Series, Inc. 2011), 36.

17. Related offences.

18. Jonathan Law (ed.), *A Dictionary of Law*, 10th edition (Oxford: Oxford University Press, 2022), 707.

۳. عنصر مادی تخریب کیفری ساده

با توجه به مفاد مواد ۶۷۶ و ۶۷۷^{۱۹} در ایران و ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. در انگلستان و ویلز، لازم است اجزای سازنده عنصر مادی تخریب کیفری ساده جداگانه تحلیل شوند. اجزای سه‌گانه عنصر مادی این جرم به شرح زیر درخور توجه هستند.

۱-۳. رفتار مجرمانه

در حقوق کیفری ایران، ممکن است از عبارت «آتش بزند» در ماده ۶۷۶ و از جمله‌واره «تخریب نماید یا به هر نحو، کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد» در ماده ۶۷۷، برداشت شود که آتش زدن همان رفتار مجرمانه احراق ساده، و تخریب یا تلف کردن و یا از کار انداختن رفتار مجرمانه تخریب کیفری ساده در معنای خاص است. اما چنین برداشتی ساده‌انگارانه است، به این دلیل که رفتارهای مختلفی را می‌توان تصور کرد که به آتش گرفتن، تخریب یا تلف شدن و یا از کار افتادن مال متعلق به دیگری منجر شود. برای نمونه، چنانچه فردی با استفاده از یک کلید بدنه اتومبیل دیگری را خط‌خطی کند، رفتار مجرمانه عبارت است از کشیدن کلید روی بدنه اتومبیل که به تخریب آن منتهی گردیده است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز رفتارهایی مانند پاره و یا محو کردن آگهی یا پوسترهای تبلیغاتی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را از مصادیق جرم تخریب در ماده ۶۷۷ محسوب کرده است.^{۲۰}

بر این اساس، باید پذیرفت که قانون‌گذار در مواد مذکور، به رفتار مجرمانه مشخصی اشاره نکرده، بلکه از اثری یاد کرده است که با رفتارهای گوناگونی تصورپذیر است. چنین رویکردی در برخی جرایم دیگر نظیر قتل نیز اتخاذ شده است، چراکه مرگ مجنی‌علیه با رفتارهای مختلفی همچون تیراندازی به او و یا فشردن گلولیش با استفاده از طناب امکان‌پذیر است. به همین ترتیب، اگر کسی سنگی را به طرف پنجره ساختمان دیگری پرتاب کند و شیشه آن را بشکند، یا شخصی با کلنگ، بخشی از دیوار ویلای متعلق به دیگری را خراب کند، ممکن است به خاطر تخریب کیفری ساده، به موجب ماده ۶۷۷ تعقیب شود. در این مثال‌ها، پرتاب سنگ و کلنگ زدن به‌مثابه رفتار مجرمانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که به تخریب مال

۱۹. از این پس، برای رعایت اختصارنویسی، تنها شماره مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ ذکر می‌شود و از تکرار عنوان قانون خودداری خواهد شد.

۲۰. اداره کل حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۸۶/۱۴۰۰/۷ مورخ ۲۸ تیر ۱۴۰۰؛ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ماده ۷۰.

غیر منجر شده است. باید متذکر شد که این مسئله که چگونگی تخریب و آتش زدن اموال مختلف با توجه به ماهیت آن‌ها تفاوت دارد، به‌نوبه خود، مؤید این است که رفتار مجرمانه در جرایم تخریب، منحصر به نوع خاصی از عمل نیست.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تخریب کیفری ساده تنها با رفتار ایجابی (فعل) تحقق‌پذیر است یا با رفتار سلبی (ترک فعل) نیز متصور است؟ در پاسخ به چنین پرسشی، بسیاری از حقوق‌دانان کیفری اظهار داشته‌اند که اگرچه رفتار مجرمانه در تخریب کیفری، به‌طور معمول، از نوع ایجابی (فعل) است، ولی تحقق آن با رفتار سلبی (ترک فعل) نیز امکان‌پذیر است.^{۲۱} اما در رویه قضایی تأکید شده است که عنصر مادی تخریب کیفری صرفاً با فعل تحقق‌پذیر است.^{۲۲} در یک پرونده مرتبط، دادگاه تجدیدنظر استان با تأکید بر اینکه عنصر مادی جرم تخریب ساده صرفاً با فعل مادی مثبت تحقق‌پذیر است و رفتار مرتکب هم باید به‌صورت مستقیم و بلاواسطه موجب تخریب گردد، رأی دادگاه نخستین مبنی بر محکومیت متهم به‌خاطر تسبیب در تخریب ۲/۵ تن کرم خاکی از طریق ریختن یک کامیون شن و ماسه در جلوی در کارگاه پرورش کرم خاکی را نقض کرده است.^{۲۳} در این میان، باید پذیرفت که تخریب کیفری، گرچه در اغلب موارد با رفتار ایجابی (فعل) ارتکاب می‌یابد، اما تحقق آن به‌وسیله رفتار سلبی (ترک فعل) نیز امکان‌پذیر است.^{۲۴} ازاین‌رو، چنانچه مأمور

۲۱. حسین میرمحمد صادقی، *جرایم علیه اموال و مالکیت* (تهران: میزان، ۱۳۹۹)، ۵۲۱؛ عباس زراعت، *شرح قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات* ۳ (تهران: ققنوس، ۱۳۸۸)، ۲۰۲ و ۲۰۶.

۲۲. شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۰۶۱۵ مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۹۳؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. *مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)*، تابستان ۱۳۹۳ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۶)، ۱۳۸-۱۳۹.

۲۳. شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۲۵۰ مورخ ۴ خرداد ۱۳۹۴؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. *مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)*، سال ۱۳۹۴ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۴۰۲)، ۱۳۱-۱۳۲.

۲۴. اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ به این استعلام که در یک پرونده، مالک واحد آپارتمانی طبقه پایین با اعلام معیوب بودن مجرای لوله فاضلاب واحد طبقه بالا، تعمیر آن برای جلوگیری از بروز خسارت را خواستار می‌شود، اما با اعلام مالک واحد یادشده مبنی بر اینکه اقدامی در راستای رفع عیب صورت نمی‌دهد، در نهایت، خسارت‌هایی به طبقه پایین وارد می‌شود. آیا شکایت کیفری تخریب مسموع است؟ به‌طور کلی، جرم تخریب با ترک فعل محقق می‌شود؟ در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۱۷۸ مورخ ۱۵ تیر ۱۴۰۱ اظهار نظر کرده است: «ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) با استفاده از عبارات «تخریب نماید»، «تلف نماید» و «از کار اندازد» که همگی از وقوع فعل مثبت مادی ازسوی مرتکب حکایت دارد، تدوین شده است؛ و بدیهی است که «تخریب شدن» یا «تلف شدن» با «تخریب کردن» و «تلف کردن» تفاوت دارد. «تخریب شدن» با ترک فعل نیز محقق می‌شود، اما «تخریب کردن» صرفاً با فعل مثبت واقع می‌شود. بنابراین، در فرض سؤال، چنانچه بعد از علم و اطلاع متصرف طبقه بالا، وی با سوءنیت و با قصد تخریب شیر آب را باز کند و موجب تخریب شود، بزه موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ قابل تحقق است.» درخصوص این نظر باید دانست که هرچند بر تحقق جرم تخریب از طریق ترک فعل

خدمات پس از فروش شرکت تولیدکننده اجاق گاز که برای نصب اجاق گاز به خانه مشتری مراجعه می‌کند، از روی عمد، بست شیلنگ گاز را نبندد و باعث آتش گرفتن اجاق گاز و برخی وسایل خانه که در مجاورت آن قرار دارند، شود، مرتکب احراق ساده با ترک فعل شده، به‌ویژه از آن‌رو که براساس تعهد قراردادی، وظیفه دارد که وسیله موردنظر را به طرز شایسته‌ای نصب کند، ولی باوجود توانایی چنین کاری، از انجام آن خودداری کرده است.

در حقوق کیفری انگلستان و ویلز، اگرچه قسمت ابتدایی بند (۱) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م.، به از بین بردن^{۲۵} یا خسارت رساندن^{۲۶} به مال متعلق به دیگری تصریح کرده، ولی از رفتار مجرمانه خاصی برای حصول نتایج مذکور سخن نگفته است. از بین بردن به این معنا در نظر گرفته شده که مال موردنظر دیگر تعمیرکردنی نباشد و فقط بتواند جایگزین شود، درحالی‌که خسارت رساندن در معنای اینکه مال دچار نوعی آسیب، لطمه یا خرابی فیزیکی شود، دانسته شده است.^{۲۷} از این‌رو، شکستن مداد نقاشی‌های متعلق به غیر و ویران ساختن خانه دیگری به‌منزله اعمالی قلمداد شده‌اند که ممکن است عنصر مادی تخریب کیفری ساده را محقق سازند.^{۲۸}

در این راستا، برخی حقوق‌دانان انگلیسی و ویلزی اظهار داشته‌اند که درخصوص واژه تخریب، باید معنای معمولی^{۲۹} آن را لحاظ کرد. آنچه تشکیل‌دهنده تخریب است، بستگی به ماهیت و کاربرد شیء موردنظر دارد.^{۳۰} بنابراین، پاشیدن گل‌ولای روی یک اتومبیل متوقف شده ممکن نیست تشکیل‌دهنده تخریب باشد، اما هرگاه عمل مذکور نسبت به یک نقاشی انجام گیرد، ممکن است تخریب کیفری محسوب شود.^{۳۱} به‌طور مشابهی، شعارنویسی روی دیوار، ریختن آب در شیر،^{۳۲} لگدمال کردن چمنزار،^{۳۳} ریختن مقدار زیادی

صحه گذاشته است، تفکیکی که میان اصطلاح‌های یادشده به عمل آورده است، پذیرفتنی نیست، زیرا همان‌طور که در بحث از نتیجه تخریب کیفری ساده با جزئیات بیشتر گفته خواهد شد، اصطلاح‌های مذکور دلالت بر نتایج ممنوعه در جرم تخریب دارند، نه ماهیت رفتار مجرمانه. البته در قسمت انتهایی نظریه مزبور، به‌درستی رفتار مجرمانه (باز کردن شیر آب) از نتیجه (تخریب) تفکیک شده است.

25. Destroy.

26. Damage.

27. Mark Hartley (ed.), *Il akttone' oolice Opeational Handbook 2017* (Oxford: Oxford University Press, 2016), 168.

28. William Wilson, *Criminal Law* (Harlow: Pearson Education Limited, 2017), 496.

29. Ordinary meaning.

30. *Roe v Kingerlee* [1986] Crim LR 735.

31. Jonathan Herring, *Criminal Law* (Hampshire: Palgrave Macmillan, 2011), 245-246.

32. *Roper v Knott* [1898] 1 QB 868, DC.

زباله روی زمین،^{۳۴} نوشتن نقل قولی از انجیل روی یک ستون بتونی با استفاده از ماژیک^{۳۵} و تبدیل به خاکستر کردن قایق بادی با استفاده از حرق، در زمره رفتارهای مجرمانه‌ای قلمداد شده‌اند که حسب مورد، به از بین رفتن یا خسارت رساندن به مال موردنظر می‌انجامند و در نتیجه، موجب تعقیب مرتکب به خاطر تخریب کیفری ساده خواهند شد.

باید اضافه کرد که اگرچه از بین رفتن یا خسارت رساندن به مال، به‌طور معمول، از عملی مثبت^{۳۶} نظیر شکستن پنجره ناشی می‌شود، ممکن است از کوتاهی در فعل^{۳۷} (ترک فعل) مانند انداختن سیگار، انجام ندادن هیچ کاری برای جلوگیری از آتش‌سوزی ناشی از آن و از بین رفتن مال نیز به وجود آید.^{۳۸} در این راستا، باید توجه داشت که در نظام کیفری انگلستان و ویلز، اشخاص در مواردی به خاطر ترک فعل مسئولیت کیفری دارند که نوعی وظیفه اقدام^{۳۹} داشته باشند. مطابق با آنچه استنهای کامن‌لا^{۴۰} خوانده می‌شود، چنین وظیفه‌ای در برخی موقعیت‌ها ممکن است پدید آید که از جمله آن‌ها وضعیتی است که شخص موقعیت خطرناکی^{۴۱} به وجود آورده باشد، که در این صورت، وظیفه بی‌اثر کردن خطر را دارد.^{۴۲}

در پرونده میلر [۱۹۸۳]،^{۴۳} متهم بی‌خانمانی بود که بدون اجازه، در خانه دیگری ساکن شده بود. وی با سیگاری روشن روی تشکی به خواب رفت. زمانی که او بیدار شد و تشک را شعله‌ور یافت، تنها به اتاق دیگری رفت. خانه آتش گرفت و خسارت درخور توجهی به بار آمد. متهم طبق بند (۳) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م.، به احراق محکوم شد. در این پرونده، محکومیت کیفری مبتنی بر این بوده که شخص در زمانی که بی‌اثر آتش‌سوزی‌ای برده که خودش به راه انداخته است، وظیفه داشته اقدام‌های لازم را برای متوقف ساختن آن به عمل آورد و کوتاهی‌اش در انجام چنین وظیفه‌ای (ترک فعل) به مسئولیت کیفری او منجر شده است.

33. *Gayford v Chouler* [1898] 1 QB 316, DC.

34. *Henderson and Battley* [1984] unreported, CA.

35. *Blake v DPP* [1993] Crim LR 586.

36. A positive act.

37. Failure to act.

38. *Emily Finch and Stefan Fafinski, Law Express: Criminal Law* (Harlow: Pearson Education Limited, 2011), 179.

39. Duty to act.

40. Common law exceptions.

41. A dangerous situation.

42. *Claudia Carr and Maureen Johnson, Beginning Criminal Law* (London: Routledge, 2013), 21-24.

43. *Miller* [1983] 2 AC 161.

۲-۳. شرایط پیرامونی

در نظام حقوقی ایران، برای تحقق تخریب کیفی ساده در چهارچوب مواد ۶۷۶ و ۶۷۷، لازم است شرایط زیر به اثبات برسند:

- موضوع احراق باید اشیای منقولی باشد که مشمول ماده ۶۷۵ نمی‌شوند؛^{۴۴} یا
- موضوع تخریب، اشیای منقول یا غیرمنقول باشد؛^{۴۵} و
- اشیای مذکور متعلق به دیگری باشند.^{۴۶}

درباره شرط اول باید دانست که عبارت سایر اشیای منقول در ماده ۶۷۶ روشن می‌سازد که آتش زدن هر شیء منقولی که مشمول ماده ۶۷۵ قرار نگیرد، مطابق با ماده ۶۷۶ تعقیب‌شدنی است. بنابراین، احراق کشتی، هواپیما، خرمن و یا هر نوع محصول زراعی که ماده ۶۷۵ به آن‌ها تصریح کرده، از مشمول ماده ۶۷۶ خارج است. البته محصول زراعی که درو شده و یا درختی که قطع گردیده است، در زمره اموال منقول به شمار می‌رود و لذا آتش زدن آن مشمول ماده ۶۷۶ است، نه ماده ۶۷۵.^{۴۷} افزون‌براین، برحسب ظاهر، اشیای منقول در ماده ۶۷۶ مفهوم عام‌تری از اموال منقول دارد؛ با این توضیح که مال همواره دارای ارزش اقتصادی و تقویم‌کردنی به پول است، اما شیء ممکن است ارزش مبادله اقتصادی داشته یا نداشته باشد. پس هر مالی شیء است، ولی هر شیئی مال نیست.^{۴۸}

بر این اساس، باید گفت که هم اشیای منقولی که ارزش مبادله اقتصادی دارند، همچون اسکناس، دوچرخه، اتومبیل، رایانه رومیزی و تلویزیون، و هم اشیای منقولی که ارزش مبادله اقتصادی ندارند، ولی از لحاظ عرفی و شرعی منعی برای معامله آن‌ها وجود ندارد، مانند دست‌خط و امضای یادگاری از یک هنرمند مشهور و یا نامه فدایت‌شوم عاشق برای معشوق (!)، ممکن است موضوع احراق ساده طبق ماده ۶۷۶ قرار گیرند. اما آتش زدن اشیایی مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر که به لحاظ شرعی مالیت ندارند و خرید و فروش آن‌ها ممنوع است، مشمول ماده اخیر نمی‌شوند. البته، بعضی از اشیای مذکور، در موارد استثنایی مالیت دارند، و در نتیجه، احراق و اتلاف آن‌ها ضمان‌آور خواهد بود. در این راستا،

۴۴. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ۱۳۷۵، ماده ۶۷۶.

۴۵. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ۱۳۷۵، ماده ۶۷۷.

۴۶. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ۱۳۷۵، مواد ۶۷۶ و ۶۷۷.

۴۷. اداره کل حقوقی قوه قضائیه، نظریه مشورتی شماره ۷/۴۹۸۳ مورخ ۱۶ مهر ۱۳۸۴.

۴۸. سید حسین صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال، جلد ۱ (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ۴۱.

اظهار شده که از فتوای فقها در باب مکاسب محرمة استفاده می‌شود که غیر از اعیان نجسه که بیع آن‌ها جایز نیست، اشیای دیگر که منافع محله و عقلایی داشته باشند، دارای مالیت هستند و در صورتی که برای استفاده از آن منافع فروخته شوند، بیع آن‌ها صحیح است. پس هرگاه مواد مخدر دارای چنین منفعتی باشند، مالیت دارند و اتلاف آن‌ها موجب ضمان است. ولی اگر بعضی از آن‌ها تنها جنبه تخدیری داشته باشند، مالیت ندارند.^{۴۹} برای نمونه، مورفین سولفات که نوعی مسکن مخدر است و کاربردهایی نظیر تسکین درد شدید و مزمن، آرام‌بخشی قبل از عمل جراحی و مسکن طی عمل زایمان دارد،^{۵۰} دسته‌ای از داروها محسوب می‌شود که مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد و در اختیار مراکز درمانی قرار داده می‌شود. پس چنانچه شخصی داروهای مخدری را که در یک بیمارستان، جهت استفاده درمانی نگهداری می‌شوند آتش بزند، با لحاظ سایر مقتضیات، به موجب ماده ۶۷۶ تعقیب خواهد شد.

در مورد شرط دوم، باید در نظر داشت که با توجه به قسمت ابتدایی ماده ۶۷۷، آنچه جرم تخریب ساده باید روی آن واقع شود، اشیای منقول و یا غیر منقول است. اشیای غیر منقول نیز اعم از اموال غیر منقول است و هر شیء غیر منقولی را که معامله آن ممنوعیت شرعی نداشته باشد در بر می‌گیرند. شیء غیر منقولی که ارزش مبادله اقتصادی نداشته باشد، ولی به دلایلی نظیر یادآور خاطره‌های خانوادگی بودن برای کسی ارزشمند به حساب آید، ممکن است شامل آینه و مجسمه قدیمی‌ای باشد که در بنای متعلق به دیگری نصب شده،^{۵۱} در حالی که گذشت زمان باعث شده است که به ضایعات تبدیل شود. بنابراین، کسی که شیشه‌های اتومبیل دیگری را با استفاده از وسیله‌ای مانند تبر می‌شکند، یا شخصی که قسمتی از دیوار واحد آپارتمانی دیگری را که در مجاورت واحد آپارتمانی خودش قرار دارد، با کلنگ خراب می‌کند، ممکن است طبق ماده ۶۷۷ تعقیب شود.

باید اضافه کرد که گرچه اطلاق عبارت اشیای منقول یا غیر منقول در ماده ۶۷۷، بر حسب قاعده، باید شامل تمامی مصادیق چنین اشیایی باشد، ولی با توجه به اینکه تخریب بعضی از مصادیق اشیای مذکور، از قبیل اسناد و اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیر دولتی، تاکستان، باغ

۴۹. معاونت آموزش قوه قضاییه (مرکز تحقیقات فقهی)، مجموعه نظریات مشورتي فقهی در امور کیفری، جلد ۱ (تهران: جنگل، ۱۳۸۸)، ۳۷.

۵۰. بهروز حیدری و فرزانه علی‌محمدی، مرجع کامل داروهای ژنریک ایران (تهران: حکیم هیدجی، ۱۳۹۳)، ۷۷۳-۷۷۵.

۵۱. قانون مدنی، ماده ۱۴: «آینه و پرده نقاشی و مجسمه و امثال آن‌ها، در صورتی که در بنا یا زمین به کار رفته باشند، به طوری که نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود، غیر منقول است.»

میوه و یا نخلستان متعلق به غیر، جداگانه در مواد قانونی بعدی پیش‌بینی شده‌اند،^{۵۲} اطلاق عبارت بالا دربرگیرنده اشیای اخیر نیست. باوجوداین، تخریب اموال منقول یا غیرمنقول تصریح شده در ماده ۶۷۵ از جمله عمارت، بنا، کشتی و یا هواپیما که به واسطه احراق صورت نگرفته باشد، مشمول ماده ۶۷۷ قرار می‌گیرد، به دلیل اینکه ماده ۶۷۵ به نوعی از احراق پرداخته است. تفسیر به نفع متهم نیز مؤید چنین دیدگاهی است، چراکه مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۶۷۵ شدیدتر از کیفر مقرر در ماده ۶۷۷ است و برحسب ظاهر، قانون‌گذار درصدد بوده است که آتش زدن اموال ذکر شده در ماده ۶۷۵ مستوجب مجازات بیشتری باشد.

در نظام حقوقی انگلستان و ویلز، یکی از شرایط پیرامونی تخریب کیفری ساده (شامل احراق) این است که موضوع جرم باید مال باشد. بند (۱) ماده ۱۰ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. در تفسیر مال اعلام می‌دارد:

«(۱) در این قانون، «مال» به معنای مال با ماهیت عینی، خواه منقول خواه غیرمنقول، از جمله پول است و

(الف) دربرگیرنده حیوانات وحشی که اهلی شده باشند یا به‌طور معمول در بند نگه داشته می‌شوند، و هرگونه موجودات وحشی دیگر یا لاشه‌های آن‌ها، در صورتی که، اما فقط در صورتی که، تبدیل به مایملکی شده باشند که گم یا رها نشده باشد، یا اینکه در جریان تبدیل به مایملک شدن باشند، هست؛ اما

(ب) شامل قارچ‌های وحشی که روی هر زمینی رشد می‌کنند یا گل‌ها، میوه یا شاخ و برگ گیاه خودروبی که روی هر زمینی سبز می‌شود، نمی‌گردد.

در راستای این بند «قارچ» دربرگیرنده هر قارچی است و «گیاه» شامل هر بوته یا درختی می‌شود.»

باید متذکر شد که تخریب کیفری ساده ممکن است نسبت به زمین^{۵۳} (مثلاً با آلاینده یا احراق ساختمان) نیز ارتکاب یابد، ولی اموال ناعینی^{۵۴} همچون حقوق انحصاری اثر،

۵۲. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ۱۳۷۵، مواد ۶۸۲ و ۶۸۴.

53. Land.

54. Intangible property.

ممکن نیست موضوع تخریب کیفری واقع شوند،^{۵۵} زیرا ماهیت تخریب کیفری ایراد خسارت به چیزی مادی^{۵۶} است؛ گرچه خسارت فی‌نفسه لازم نیست که عینی باشد. در پرونده کاکس علیه رابلی [۱۹۸۶]،^{۵۷} متهم برنامه رایانه‌ای را از کارت مدار چاپی پاک کرد. وی به تخریب کیفری ساده محکوم شد، چراکه خسارت به خود کارت وارد شده بود، نه به برنامه‌ها که اموال ناعینی بودند و لذا تحت حمایت قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. قرار نمی‌گرفتند.

افزون‌براین، استثنای برشمرده شده در قسمت (ب) بند (۱) ماده ۱۰ قانون اخیر، شامل قارچ‌های وحشی، حکایت از این دارند که شخص می‌تواند هر اندازه که بخواهد، موارد استثنای را پامال کند. قواعد مشابهی نیز نسبت به حیوانات وحشی در قوانین مذکور اعمال می‌شوند، هرچند که گورکن‌ها در زمانی که به دام افتاده باشند، مال در چهارچوب قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. محسوب نشده‌اند. ضمن اینکه چنانچه آب به صورت طبیعی روی زمین یا زیر آن جاری باشد، از لحاظ کیفری ممکن نیست تخریب شود، ولی اگر تبدیل به مایملک شده باشد، از قبیل اینکه در مخزن آب نگهداری شود، ممکن است مورد تخریب قرار گیرد. بالاخره، اطلاعات محرمانه^{۵۸} نظیر اسرار تجاری،^{۵۹} ممکن نیست تخریب شوند، چراکه مال به حساب نمی‌آیند.^{۶۰}

در این راستا، در پرونده کرسول و کاری علیه دادستان [۲۰۰۶]،^{۶۱} دادگاه عالی^{۶۲} مفهوم تبدیل به مایملک شدن^{۶۳} در قسمت (الف) بند (۱) ماده ۱۰ قانون اخیر را شرح داد. این دادگاه مقرر داشت که:

«صرف کشاندن حیوان وحشی، اعم از اینکه گورکن باشد یا پرنده یا گوزن، هرازگاهی به محل خاصی با فراهم‌سازی غذا در آنجا، حتی با هدف در نهایت کشتن آن به‌موقع خود، قسمتی از جریان به‌طور معمول تبدیل به مایملک کردن آن را شکل نمی‌دهد.»

55. Roger Geary, *Understanding Criminal Law* (London: Cavendish Publishing Limited, 2002), 90.

56. A physical thing.

57. *Cox v Riley* [1986] Crim LR 460.

58. Confidential information.

59. Trade secrets.

60. Michael Jefferson, *Criminal Law* (Harlow: Pearson Education Limited, 2015), 597.

61. *Cresswell and Currie v DPP* [2006] EWHC 3379 (Admin).

62. High Court.

63. Reduce into possession.

شرح پرونده مذکور از این قرار است که یک شب فیونا کرسول و داندل کاری چهار تله گورکن را که به وسیله اداره محیط زیست، غذا و امور روستایی (ا.م.غ.ا.ر.) دولت^{۶۴} در مزرعه‌ای در کورنوال^{۶۵} کار گذاشته شده بودند، از بین بردند. تخریب کیفی تله‌ها به متهمان نسبت داده شد، ولی ادعا کردند که به منظور حفاظت از اموال دیگر - گورکن‌های وحشی - گیر افتادن و بعدها کشته شدن اقدام می‌کرده‌اند (اداره مذکور درباره ارتباط‌های مشکوک بین گورکن‌های وحشی و سل گاوی، بیماری مبتلابه گاو، تحقیق می‌کرد). اگر این استدلال پذیرفته می‌شد، عذر قانونی‌ای به موجب قسمت (ب) بند (۲) ماده ۵ قانون تخریب کیفی ۱۹۷۱م. در اختیار متهمان قرار می‌داد. این موضوع بستگی به این داشت که دادگاه بپذیرد که گورکن‌های وحشی نیز مال بوده‌اند، امری که به نوبه خود مستلزم آن بود که دادگاه تصدیق کند که آن‌ها به وسیله اداره مورد بحث، با سعی در به تله انداختنشان تبدیل به مایملک می‌شده‌اند. این استدلال رد شد. دادگاه مقرر داشت که گورکن‌ها تا زمانی که در عمل وارد تله کارگذاشته نشده باشند، تبدیل به مایملک نشده‌اند.^{۶۶}

در ارتباط با شرط سوم باید متذکر شد که عبارت متعلق به دیگری در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ حکایت از این دارد که احراق و تخریب اشیای منقول یا غیرمنقول زمانی جرم است که متعلق به کسی غیر از مرتکب باشد. به عبارت دیگر، هرگاه فردی اشیای متعلق به خودش را تخریب کند یا آتش بزند، به موجب مواد مذکور تعقیب‌شدنی نیست. حتی اگر شخصی اقدام به دیوارکشی بدون مجوز قانونی در ملک خودش کند، گرچه ضمانت اجرای چنین عملی ممکن است الزام متخلف به قلع دیوار و پرداخت جریمه طبق قوانین مربوط باشد، اما تخریب دیوار ساخته‌شده به موجب ماده ۶۷۷ جرم محسوب می‌شود،^{۶۷} زیرا شرط مذکور همچنان احرازشدنی است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تخریب کیفی ساده در اموال مشاع نیز تحقق‌پذیر است؟ به عبارت دیگر، چنانچه یکی از شرکای مال مشاع اقدام به تخریب آن کند، طبق یکی از مواد ۶۷۶ و یا ۶۷۷ تعقیب‌شدنی است؟ در پاسخ به چنین پرسشی،

64. Government Department for Environment, Food and Rural Affairs (DEFRA).

۶۵. نام منطقه‌ای در جنوب غربی انگلستان.

66. Tony Storey and Alan Lidbury, *Criminal Law* (London: Routledge, 2009), 208.

۶۷. شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۲۳۶ مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۵؛ محمدرضا زندی، رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور کیفری، جلد ۷: سرقت، خیانت در امانت، صدور چک بلامحل و تخریب، (تهران: جنگل، ۱۳۹۱)، ۱۶۶-۱۶۷.

اختلاف نظرهایی وجود داشته است. دادگاه تجدیدنظر استان در برخی آرای خود مقرر داشته است که محکومیت مالک مشاع به تخریب اموال خود توجیه قانونی ندارد.^{۶۸} به‌طور مشابهی، دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود اظهار داشته است:

«به‌موجب ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵)، قانون‌گذار تخریب ملک دیگری را جرم و مرتکب را مستحق مجازات دانسته و ظهوری در اموال مشترک که مرتکب در آن ذی‌سهم است، ندارد و اقدامات شریک در مال مشترک، به‌موجب ماده ۵۸۲ قانون مدنی ممنوع^{۶۹} و از موارد دعاوی حقوقی است.»^{۷۰}

با وجود این، دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه‌ای به شرح زیر مقرر داشته است:

«به‌طوری که از اطلاق و عموم ماده ۲۶۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ (در حال حاضر، ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ (اصلاحی ۱۳۹۹)) مستفاد می‌گردد، ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده، در صورتی که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیرمجاز با سوءنیت باشد، قابل تعقیب و مجازات است، هر چند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده فوق به‌طور اشتراک و اشاعه باشد.»^{۷۱}

به‌رغم اینکه رأی وحدت رویه مذکور پیش از دو رأی پیشین صادر شده و تنها به یکی از مواد قانونی مربوط به تخریب کیفری اشاره کرده است، باید پذیرفت که همچنان لازم‌الاجرا است، زیرا ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ (اصلاحی ۱۳۹۹) همان مفاد ماده ۲۶۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ را با کمی تغییر در عبارت‌ها پیش‌بینی نموده و با استفاده از واژه دیگری، بر لزوم تعلق اموال مورد تخریب به غیر تأکید کرده است. پس هرگاه تخریب موضوع ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ (اصلاحی ۱۳۹۹) نسبت به اموال مشاع ارتکاب یافته باشد، سایر جرایم تخریب، شامل تخریب کیفری ساده برطبق مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ نیز ممکن است علیه چنین اموالی ارتکاب یابند و مستوجب مجازات باشند. بر این اساس، آرای کیفری که

۶۸. شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۱۵۴۹ مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۱؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، بهمن ۱۳۹۱ (تهران: قوه قضائیه، ۱۳۹۳)، ۲۹-۳۰.
۶۹. قانون مدنی، ماده ۵۸۲: «شریکی که بدون اذن یا در خارج از حدود اذن تصرف در اموال شرکت نماید، ضامن است.»

۷۰. شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۴۲۵ مورخ ۱۸ بهمن ۱۳۹۱؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، بهمن ۱۳۹۱ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۳)، ۸۵.

۷۱. هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه شماره ۱۰ مورخ ۲۱ مهر ۱۳۵۵.

پیش‌تر ذکر شدند، قطع‌نظر از اینکه رویه قضایی الزام‌آوری به شمار نمی‌آیند، به‌خاطر مغایرت با مفاد رأی وحدت رویه بالا اعتناپذیر نیستند.

در برخی موارد، برای اشخاصی نظیر مستأجر یا مرتهن، نسبت به مال دیگری حق ایجاد می‌شود. مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌گردد^{۷۲} و مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد که به‌ترتیب، راهن و مرتهن نامیده می‌شوند.^{۷۳} در این وضعیت‌ها، با توجه به اینکه شرط موردبحث ناظر بر تعلق عین مال به دیگری است، نه منفعت آن، در صورتی که شخص دارای نوعی حق در مال دست به تخریب آن بزند، با لحاظ سایر مقتضیات، مرتکب به دلیل تخریب کیفری ساده تعقیب‌شدنی است. البته تخریبی که از ناحیه مستأجر، به‌منظور تعمیر بنا، به‌سازی و بالا بردن کیفیت ساختمان به عمل آید، درحالی که نقضی به بنا وارد نیاید، فاقد جنبه کیفری است.^{۷۴}

در حقوق انگلستان و ویلز نیز شرط پیرامونی دیگر برای تخریب کیفری ساده (شامل احراق)، این است که مال متعلق به دیگری باشد. پس هرگاه شخصی مال خودش را از بین ببرد یا به آن خسارت وارد آورد، اعم از اینکه به‌وسیله آتش باشد یا غیر از آن، مرتکب این جرم نشده است. در این خصوص، بندهای (۲) تا (۴) از ماده ۱۰ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. اشعار می‌دارند:

«(۲) مال در راستای این قانون متعلق به هر شخصی قلمداد می‌شود که:

(الف) نگهداری یا کنترل آن را عهده‌دار باشد؛

(ب) از هرگونه حق یا منفعت مالکانه در آن برخوردار است (نه اینکه منفعت منصفانه‌ای بوده که فقط از توافقی برای انتقال یا اعطای منفعت ناشی شده باشد)؛ یا

(پ) تصدی آن را دارا باشد.

(۳) در مواردی که مال موضوع امانت است، اشخاصی که متعلق به آن‌ها است، باید آن‌چنان تلقی شوند که دربرگیرنده هر شخصی باشد که حق به اجرا درآوردن امانت را دارد.

۷۲. قانون مدنی، ماده ۴۶۶.

۷۳. قانون مدنی، ماده ۷۷۱.

۷۴. شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۱۵۹ مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، سال ۱۳۹۲ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۵)، ۲۱۷.

(۴) اموال شرکت به تنهایی باید، با وجود پست خالی در شرکت، متعلق به شرکت قلمداد

شوند.»

مفاد این مقرره‌ها تعریف گسترده‌ای از تعلق به غیر به دست می‌دهند، به طوری که محدود به مالک^{۷۵} منحصر به فرد نمی‌شود. از این رو، در مواردی که مال متعلق به بیشتر از یک نفر باشد که از آن زیر عنوان مالکیت مشاع/مشترک^{۷۶} یاد می‌شود، مالک مشاع^{۷۷} با وجود اینکه از حق مالکانه‌ای در مال برخوردار است، احتمال دارد که به خاطر تخریب کیفری مجرم شناخته شود.^{۷۸} در واقع، به رغم اینکه بند (۱) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. مستلزم از بین بردن یا خسارت رساندن به مال متعلق به دیگری است، متهم ممکن است طبق بند مذکور، به تخریب کیفری ساده مقصر شناخته شود، حتی اگر مال تخریب شده متعلق به خودش باشد، مشروط به اینکه شخص دیگری نیز از حق مالکانه‌ای در مال برخوردار باشد.^{۷۹} برای نمونه، هرگاه کسی خانه خودش را آتش بزند، اما خانه در رهن بانک باشد، وی ممکن است به خاطر احراق ساده تعقیب شود، زیرا خانه با توجه به مفاد بند (۲) ماده ۱۰ قانون اخیر، متعلق به بانک قلمداد می‌شود.

ناگفته نماند که در انگلستان و ویلز، شرط دیگری که باید ثابت شود، این است که مرتکب عذر قانونی نداشته باشد. در این خصوص، باید در نظر داشت که برخی دفاع‌های خاص نسبت به تخریب کیفری در ماده ۵ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. پیش‌بینی شده‌اند که متهم می‌تواند به آن‌ها استناد کند و از اتهام تخریب کیفری ساده تبرئه شود:

از یک طرف، به موجب قسمت (الف) بند (۲) ماده ۵ قانون بالا، اگر متهم در زمان عمل ارتكابی اعتقاد داشته باشد که شخص یا اشخاصی که حق رضایت دادن به انهدام یا تخریب مال مورد نظر را دارند، راضی به این کار بوده‌اند، یا در صورتی که از انهدام یا تخریب و شرایط آن آگاه می‌شدند، رضایت به این کار می‌دادند، از عذر قانونی برخوردار است. اهمیتی ندارد که باور متهم صحیح یا اشتباه باشد؛ حتی اگر اعتقاد او اشتباه بوده، بی‌اهمیت است که این اشتباه معقول یا نامعقول بوده باشد، زیرا بند (۳) ماده ۵ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. تصریح دارد که اعتقاد

75. Owner.

76. Joint/shared ownership.

77. Co-owner.

78. Jacqueline Martin and Tony Storey, *Unlocking Criminal Law* (London: Routledge, 2015), 541.

79. Mike Molan, *Cases and Materials on Criminal Law* (London: Routledge, 2008), 611.

متهم لازم نیست موجه باشد، مشروط بر اینکه صادقانه به حساب آورده شود.^{۸۰}

شخصی که از حق رضایت دادن برخوردار است، باید انسان^{۸۱} یا شخص حقوقی^{۸۲} باشد. در پرونده بلیک علیه دادستان [۱۹۹۳]،^{۸۳} متهم کشیش محل بود که بر ضد به‌کارگیری نیروی نظامی توسط متفقین^{۸۴} در عراق و کویت، در تظاهرات شرکت می‌کرد. وی از مآذیکی برای نوشتن نقل قولی از انجیل روی ستون بتونی خارج از مجلس‌های پارلمان^{۸۵} استفاده کرد. متهم به تخریب کیفری محکوم شد، اما مدعی بود که از عذر قانونی طبق قسمت (الف) بند (۲) ماده ۵ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. برخوردار بوده، چراکه دستورالعمل‌های پروردگار را انجام می‌داده، و در نتیجه، خداوند به تخریب کیفری راضی بوده است. در رسیدگی تجدیدنظری به محکومیت متهم، مقرر شد که اعتقاد هرچند واقعی و صادقانه به اینکه آفریدگار رضایت به تخریب داشته، عذر مرجع قانونی^{۸۶} را در اختیار متهم قرار نمی‌دهد. از این رو، تجدیدنظرخواهی وارد دانسته نشد. مبنای محکومیت کیفری این بوده که خداوند یک شخص (انسان) که مقررۀ مذکور بر لزوم رضایت او تأکید دارد، قلمداد نشده است.

از طرف دیگر، مطابق با قسمت (ب) بند ۲ ماده ۵ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م.، چنانچه متهم اعتقاد داشته باشد که مال متعلق به دیگری یا خودش نیازمند حفاظت فوری^{۸۷} بوده است و لذا وی مال دیگری را به‌منظور حفاظت از آن از بین برده یا خسارت وارد آورده باشد، از عذر قانونی برخوردار است. در این مورد، لازم است احراز شود که متهم باور داشته که شیوۀ استفاده‌شده برای حفاظت از مال معقول^{۸۸} بوده است. ضابطۀ مرتبط با این قسمت از ماده مذکور، در واقع، معیاری ذهنی^{۸۹} است، زیرا پرسش این نیست که آیا اعمال متهم معقول بوده، بلکه آن است که وی اعتقاد داشته که اعمالش معقول بوده است یا خیر. پس آنچه اهمیت دارد، این است که متهم اعتقاد واقعی داشته که مال موردنظر در معرض خطر بوده،

80. Claire De Than and Russell Heaton, *Criminal Law* (Oxford: Oxford University Press, 2013), 420.

81. Human being.

82. Corporate body.

83. Blake v DPP [1993] Crim LR 586.

84. Use of military force by the allies.

85. The Houses of Parliament.

86. Excuse of lawful authority.

87. Immediate protection.

88. Reasonable.

89. A subjective test.

لزوم حفاظت از آن فوریت داشته است و اقدام‌هایش معقول بوده‌اند.^{۹۰}

با وجود این، دادگاه‌های انگلستان و ویلز در برخی پرونده‌ها، نسبت به قضاوت درباره متهم براساس آنچه در شرایط مورد نظر معقول می‌پنداشته است، رغبتی نشان نداده‌اند. در پرونده هانت [۱۹۷۷]،^{۹۱} متهم به زوجه‌اش که مسئول جانشین در بلوکی از آپارتمان‌های اشخاص مسن بود، کمک می‌کرد. وی به صاحب ملک شکایت کرد که آذیرهای حریق کار نمی‌کنند، ولی نتیجه‌ای نداشت. لذا متهم از روی عمد،^{۹۲} تاخت‌خوابی را در اتاق مهمان، در قسمت مجزایی از آپارتمان‌ها، به آتش کشید تا صاحب ملک را وادار به تعمیر زنگ خطر کند. مرتکب بعد از آن، با ایستگاه آتش‌نشانی تماس گرفت، ساکنان آپارتمان‌ها را خارج کرد و شیشه زنگ خطر را که کار نمی‌کرد شکست. مقرر شد که عمل ایراد خسارت از مال دیگری حفاظت نکرده، و در نتیجه، متهم به منظور حفاظت از مال اقدام نکرده است. بنابراین، لازم است نوعی رابطه سببی بلاواسطه^{۹۳} بین تخریب و حراست از مال به اثبات برسد.

رویکرد اخیر بیشتر با آنچه معیار عینی^{۹۴} خوانده می‌شود سازگاری دارد. لذا در بعضی از پرونده‌های دیگر، سعی در تعدیل آن شده است. در پرونده هیل [۱۹۸۸]،^{۹۵} متهم که معترض هسته‌ای بود، خارج از پایگاه زیر دریایی اتمی ایالات متحده آمریکا در ویلز، با اهر آهن‌بری دستگیر شد. وی اعتراف کرد که قصد استفاده از آن، جهت بریدن توری سیمی اطراف پایگاه را داشته است. هدف او ترغیب نیروهای آمریکا به ترک منطقه بود تا خطر حمله اتمی^{۹۶} روسیه کاهش یابد و به این وسیله، از اموالش در این حوالی حفاظت کند. دادگاه رسیدگی کننده شرح داد که ضابطه مربوط دویخشی است. اول، پرسشی ذهنی وجود داشته که چه چیزی واقعاً در ذهن متهم می‌گذشته است. دوم، پرسشی عینی در کار بوده، مبنی بر اینکه براساس وقایعی که متهم اعتقاد به آن‌ها داشته است، می‌توانسته گفته شود که عمل ارتكابی به منظور حفاظت از مال خود متهم یا دیگری انجام گرفته است. قاضی محاکمه^{۹۷} رأی داد که

90. John Hendy and Odette Hutchinson, *Optimize Criminal Law* (London: Routledge, 2015), 189.

91. Hunt [1977] 66 Cr App R 105.

92. Deliberately.

93. Immediate causal connection.

94. Objective test.

95. Hill [1988] 89 Cr App R 74, CA.

96. Nuclear strike.

97. Trial judge.

عمل مقصود (بریدن تور سیمی) بسیار دور از هدف نهایی (حفاظت از مال) بوده است و ضابطه مورد نظر برآورده نمی‌شود. در واقع، قاضی دادگاه لزوم فوریت حراست از مال را نیز احراز نکرد.

۳-۳. نتیجه حاصله

در نظام کیفری ایران، قانون‌گذار در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷، به نوع خاصی از رفتار ممنوعه نپرداخته، بلکه تنها از نتایجی سخن گفته است که بر اثر رفتارهای گوناگونی متصور هستند. نتایج مورد نظر عبارت‌اند از آتش گرفتن در ماده ۶۷۶، تخریب یا تلف شدن و یا از کار افتادن در ماده ۶۷۷. بر این اساس، تخریب کیفری ساده جرمی مقید است که بدون حصول یکی از این نتایج تحقق نمی‌یابد. برای مثال، هرگاه شخصی با قصد آتش زدن برخی اموال منقول دیگری، روی آن‌ها نفت بریزد، کبریتی روشن کند و به طرف اموال مورد نظر پرتاب کند، اما کبریت بر اثر وزش باد خاموش شود و آتش‌سوزی ایجاد نگردد، جرم احراق رخ نداده است. در این مورد، عمل ارتكابی از لحاظ نظری، با مفهوم شروع به احراق ساده^{۹۸} مطابقت دارد.^{۹۹} به‌طور مشابهی، چراندن گوسفند در محلی که علف هرزه روییده و دیوار یا هرگونه مانع دیگری نداشته باشد و یا عبور با خودرو از وسط چنین محلی، مصداق تخریب کیفری قلمداد نشده است.^{۱۰۰} جدا شدن یک دسته کیف‌دستی نیز موجب خروج آن از حیز انتفاع نیست، لذا مصداق جرم تخریب محسوب نشده است.^{۱۰۱}

افزون‌براین، از بین رفتن یا خسارت دیدن مال که به‌ترتیب، ناظر بر تخریب کلی یا جزئی آن است، پیامدی جدا از تخریب شدن یا آتش گرفتن مال نیست، زیرا تخریب کیفری زمانی رخ می‌دهد که اموال مورد نظر با قصد تخریب از بین بروند یا خسارت ببینند. از این رو، چنانچه کسی با قصد تخریب به شیشه‌های اتومبیل دیگری تیراندازی کند، ولی ضدگلوله بودن

98. Attempted simple arson.

۹۹. باید خاطر نشان کرد که به‌موجب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شروع به جرایمی کیفر دادنی است که مجازات قانونی آن‌ها حبس تعزیری درجه یک تا پنج باشد، درحالی که مجازات قانونی تحریق ساده، به شرحی که در بحث از مجازات تخریب کیفری ساده می‌آید، حبس تعزیری درجه شش است و لذا شروع به تحریق ساده، گرچه به‌لحاظ نظری متصور است، طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، جرم و کیفر دادنی نیست.

۱۰۰. شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۴۱۳ مورخ ۱ تیر ۱۳۹۴؛ پژوهشکده استخراج

و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۴، ۱۹۵.

۱۰۱. شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۸۳۸ مورخ ۱۰ آبان ۱۳۹۴؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۴، ۳۷۷.

شیشه‌ها مانع از نابودی یا ورود خسارت به آن‌ها شود، شیئی به‌طور کلی یا جزئی تلف نشده و لذا تخریب کیفی ساده روی نداده است.^{۱۰۲}

باید متذکر شد که عبارت «به هر نحو» در قسمت میانی ماده ۶۷۷ حاکی از این است که چگونگی تلف کردن اشیای متعلق به دیگری اهمیتی ندارد، و به هر طریقی که باشد، تخریب کیفی ساده ممکن است تحقق یابد. از این رو، استفاده از شیوه یا وسیله خاصی نیز برای اتلاف اموال متعلق به غیر ضرورتی ندارد. البته تلف شدن، برحسب ماهیت مال، صورت‌های مختلفی دارد: شیشه‌های خانه دیگری ممکن است شکسته شوند؛ تابلوی نقاشی یک هنرمند چه بسا با پاشیدن رنگ روی آن از بین برود؛ قطعه‌های یک دستگاه الکترونیکی مانند گوشی تلفن همراه یا تبلت ممکن است بر اثر ضربه شدید از هم جدا شوند و ... از این گذشته، عبارت «کلاً یا بعضاً» در ماده ۶۷۷ روشن می‌سازد که قانون‌گذار اتلاف را در شرایطی هم که شیء مورد نظر به‌طور جزئی خراب می‌شود، تحقق یافته محسوب می‌کند. در واقع، هرگاه شیئی از بین برود، تلف کلی و در صورتی که مالی خسارت ببیند، تلف جزئی صدق می‌کند. در نتیجه، از لحاظ اصل تحقق جرم تخریب ساده، فرقی ندارد که شخصی تنها شیشه‌های عقب اتومبیل دیگری را بشکند یا اتومبیل مورد نظر را به‌طور کامل از بین ببرد. بر این اساس، ذکر جداگانه اصطلاح تخریب در ماده یادشده ضروری به نظر نمی‌آید.

ناگفته نماند که نتیجه ممنوعه دیگری که در قسمت انتهایی ماده ۶۷۷ آمده است و بر اثر رفتارهای گوناگونی هم تصورپذیر است، «از کار انداختن» است. از لحاظ مفهومی، در مواردی می‌توان گفت شیئی از کار افتاده است که کارکرد صحیح آن مختل شود یا کارایی خود را از دست بدهد. تحقق چنین نتیجه‌ای مستلزم نوعی خراب‌کاری یا دست‌کاری در شیء مورد نظر است. بنابراین، کارگری که پیچ‌گوشتی‌ای را در میان چرخ‌دنده‌های دستگاهی در کارگاه قرار می‌دهد و به این وسیله، دستگاه مورد نظر را از کار می‌اندازد، ممکن است طبق ماده مذکور تعقیب شود. اطلاق عبارت قانون‌گذار در ماده یادشده حکایت از این دارد که از کار انداختن ممکن است موقتی یا دائمی باشد. در نمونه مذکور، چنانچه دستگاه مربوط با تعمیر دوباره به کار افتد، نتیجه مورد بحث موقتی است. اما اگر کارایی خود را به‌طور کامل از دست بدهد و ناگزیر لازم باشد که با دستگاه یا موتور دیگری جایگزین شود، نتیجه یادشده دائمی بوده است.

۱۰۲. در چنین مواردی، رفتار ارتكابی به‌موجب تبصره ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در حکم شروع به جرم است.

در نظام کیفری انگلستان و ویلز، مفاد بند (۱) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. روشن می‌سازد که از بین رفتن یا خسارت دیدن مال به منزله نتایجی قلمداد شده‌اند که ممکن است بر اثر رفتارهای مجرمانه گوناگونی به وقوع بپیوندند. به عبارت دیگر، تخریب کیفری ساده (شامل احراق) زمانی تحقق می‌یابد که رفتار ارتكابی به یکی از نتایج مذکور انجامد. اصطلاح خسارت رساندن حاکی از این است که هرچند عمل ارتكابی بر مال مربوط تأثیر گذاشته، ولی به نابودی^{۱۰۳} آن منجر نشده است. بنابراین، ایده خسارت رساندن شامل کاهش ارزش یا فایده شیء مورد نظر^{۱۰۴} است و احراز هر یک از این موارد کفایت می‌کند. فُر کردن در اتومبیل ممکن است بر فایده آن تأثیر نگذارد، اما ارزش اتومبیل را کاهش خواهد داد و لذا تخریب به شمار می‌آید. برداشتن یک کیسه شن از دیواری ایجاد شده با کیسه‌های شن ممکن نیست بر ارزش کیسه‌های شن تأثیر بگذارد، ولی فایده آن‌ها را تضعیف می‌کند، و به همین خاطر، برابر با تخریب است.^{۱۰۵} رویکرد دادگاه‌های انگلستان و ویلز حکایت از این دارد که اگر رفتار متهم باعث حداقل خسارت شود، به طوری که جبران آن مستلزم صرف هزینه، وقت و زحمت باشد، تخریب کیفری محقق شده است.

در این راستا، در پرونده هاردمن و دیگران علیه رئیس پلیس ایون و نیروی پلیس سامرست [۱۹۸۶]،^{۱۰۶} اعضای کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد از رنگ حل‌شدنی در آب به منظور رنگ‌آمیزی سایه‌نماهای انسان در پیاده‌رو به مناسبت چهلمین سالگرد بمباران هیروشیما^{۱۰۷} استفاده کرده بودند. انتظار آن‌ها این بود که آب باران و تردد عابران پیاده به پاک شدن نقاشی‌ها منجر شود. با این حال، پیش از آنکه این امر رخ بدهد، مقامات محلی گروهی از افراد را برای پاک کردن پیاده‌روها به کار گرفتند. مقرر شد که تخریب روی داده است، زیرا مقامات محلی متحمل هزینه و دردسر شده بودند.

سرانجام، از بین بردن شامل مواردی می‌شود که مال مورد نظر بی‌فایده شده، حتی اگر به طور کامل نابود نشده باشد.^{۱۰۸} از این رو، نابودی مال مستلزم چیزی بیشتر از

103. Destruction.

104. Value or usefulness of the item.

105. Jonathan Herring, *Criminal Law: Text, Cases and Materials* (Oxford: Oxford University Press, 2012), 622.

106. *Hardman and Others v Chief Constable of Avon and Somerset Constabulary* [1986] Crim LR 330.

107. Hiroshima bombing.

108. Jacqueline Martin, *Criminal Law: Key Facts-Key Cases* (London: Routledge, 2014), 258.

خسارت رساندن به آن است. انهدام اتومبیل، خراب کردن دیوار و یا بنای دیگر، از جمله رفتارهایی تلقی می‌شوند که به نتیجه مورد بحث می‌انجامند. بدیهی است که در فرایند نابودی مال، بسیار نامعمول است که خسارتی به آن وارد نشود.

باید یادآور شد که هرگاه انهدام یا ایراد خسارت به وسیله آتش^{۱۰۹} ایجاد شود، از جرم ارتكابی زیر عنوان احراق یاد می‌گردد. در این خصوص، ایجاد حریق لازم نیست شامل آتش‌سوزی بزرگی باشد؛ نیم‌سوز شدن^{۱۱۰} مال متعلق به دیگری، بر اثر رفتار ارتكابی که حداقل خسارت را به بار آورد، کفایت می‌کند. یک نمونه تاحدودی مبالغه‌آمیز، شاید سوزاندن موی یک گربه باشد. بند (۳) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. نسبت به بند (۱) (تخریب کیفری ساده) از ماده مزبور نیز اعمال می‌شود. اما با وجود واژه‌های الزامی در بند (۳) ماده یاد شده، «باید به عنوان احراق مورد اتهام قرار گیرد»،^{۱۱۱} آن‌چنان‌که در پرونده دریتون [۲۰۰۵]^{۱۱۲} مقرر شد، هیچ لزومی ندارد که تخریب کیفری به وسیله حریق به منزله احراق مورد اتهام قرار گیرد، بلکه کافی است که اتهام انتسابی، تخریب کیفری به وسیله آتش^{۱۱۳} باشد.^{۱۱۴}

۴. عنصر روانی تخریب کیفری ساده

در ایران، قانون‌گذار ایرانی قید «عمداً» را تنها در ماده ۶۷۷ آورده است. اما با لحاظ اصل عمدی بودن جرایم، باید دانست که جرایم تخریب پیش‌بینی شده در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ در زمره جرایم عمدی قرار می‌گیرند. با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در تخریب کیفری ساده (شامل احراق)، لازم است هم قصد عام^{۱۱۵} و هم قصد خاص^{۱۱۶} مرتکب به اثبات برسد. قصد عام در تخریب کیفری ساده در مواردی احراز می‌شود که مرتکب با علم به اینکه اشیای مورد نظر متعلق به دیگری است، رفتارش را به‌طور عمدی انجام داده باشد. از این‌رو، اگر کسی با این تصور که اشیای مربوط متعلق به خودش است و یا در حالت‌هایی نظیر مستی منجر به مسلوب الاراده شدن مرتکب احراق یا اتلاف مال دیگری شود، به دلیل احراز نشدن

109. Fire.

110. Charring.

111. "Shall be charged as arson."

112. Drayton [2005] EWCA Crim 2013.

113. Criminal damage by fire.

114. Jefferson, *Criminal Law*, 594.

115. General intent.

116. Specific intent.

این جزء از عنصر روانی، از اتهام تخریب کیفری ساده براثت حاصل خواهد کرد.

در یک پرونده که شخصی به تخریب شیشه منزل دیگری متهم شده بود و در مرحله نخستین، با استناد به ماده ۶۷۷، به تحمل شش ماه حبس محکوم شد، در مرحله تجدیدنظرخواهی، براثت حاصل کرد، چراکه احراز گردید که متهم توسط دیگری هل داده شده و لذا شیشه به صورت غیر عمد شکسته شده است.^{۱۱۷} به همین ترتیب، تخریب یک دستگاه خودرو بر اثر حادثه تصادف به منزله تخریب عمدی قلمداد نشده،^{۱۱۸} چراکه مرتکب به طور عمدی واقعه تصادف را به وجود نیاورده، بلکه تقصیر جزایی اش، اعم از بی احتیاطی یا بی مبالاتی، به تصادف منجر شده است؛ در نتیجه، قصد تخریب او نیز محرز نخواهد شد.

اما قصد خاص در تخریب کیفری ساده، در جایی ثابت می شود که مرتکب با انجام رفتار مجرمانه از روی علم و عمد، حسب مورد قصد آتش زدن، تخریب یا تلف کردن و یا از کار انداختن اشیای مورد نظر را داشته باشد. بنابراین، هرگاه کسی رفتاری را به طور عمدی انجام دهد، ولی قصد خاص به صورت یادشده را نداشته باشد، به دلیل نبود این جزء از عنصر روانی، مرتکب جرم احراق یا تخریب ساده نشده است. در این راستا، در مورد تخریب اموالی که ممکن است در حین دعوای خانوادگی رخ بدهد، رأی زیر درخور ذکر است:

«... اگر در اثر عصبانیت زن، برخی از لوازم زندگی مشترک که توسط مرد خریده شده است تخریب شود و یا چنانچه... در اثر عصبانیت مرد، برخی از لوازم زندگی آنها که اتفاقاً جهیزیه زن بوده است، تخریب شود... مورد از مصادیق ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) نخواهد بود، زیرا در وضعیت به وجود آمده عنصر روانی وجود ندارد...»^{۱۱۹}

به طور مشابهی، تخریب گوشی تلفن همراه و عینک در حین نزاع و در فضای زدوخورد

۱۱۷. شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۶۶۷ مورخ ۲ شهریور ۱۳۹۳؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاههای تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، تابستان ۱۳۹۳، ۱۵۳ و ۱۵۴.

۱۱۸. شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۸۰۱۶۹۶ مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۱؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاههای تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، اسفند ۱۳۹۱ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳)، ۱۷.

۱۱۹. شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۷۰۱۱۸۸ مورخ ۲۳ مهر ۱۳۹۳؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاههای تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، مهر، آبان و آذر ۱۳۹۳، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷)، ۱۹.

بین طرف‌ها،^{۱۲۰} به دلیل احراز نشدن قصد تخریب، مصداق تخریب کیفری ساده قلمداد نشده است. در چنین مواردی، رفتار مرتکب که به صورت زودخورد و درگیری جلوه‌گر شده، غیرعمدی نیست و لذا قصد عام جرم تخریب ساده احرازشدنی است، اما نبود قصد خاص به شرحی که گذشت، موجب ثابت نشدن عنصر روانی جرم موردبحث شده است. با وجود این، باید خاطر نشان کرد که قصد مجرمانه به صورت غیرمستقیم هم متصور است. بر این اساس، هرگاه متهم علم به آسیب و پاره شدن لباس دیگری در حین درگیری داشته باشد، قصد او برای ارتکاب تخریب کیفری ساده احراز می‌شود.^{۱۲۱}

در انگلستان و ویلز، پیش از همه باید احراز شود که مرتکب از قصد انجام عمل ممنوعه^{۱۲۲} (قصد عام) برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، لازم است ثابت شود که شخص عامدانه رفتاری انجام داده که سبب تخریب مال دیگری شده است، مانند اینکه از روی عمد، بمبی را منجر کرده باشد. افزون بر این، قسمت میانی بند (۱) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. حکایت از آن دارد که مرتکب باید قصد از بین بردن یا خسارت رساندن به مال متعلق به غیر را داشته باشد، یا نسبت به اینکه آیا چنین مالی از بین می‌رود یا خسارت می‌بیند، بی‌پروا باشد.

از این رو، اثبات یکی از حالت‌های ذهنی قصد^{۱۲۳} یا بی‌پروایی^{۱۲۴} در متهم، برای احراز عنصر روانی تخریب کیفری کافی است. قصد اعم از مستقیم یا ضمنی است. قصد مستقیم^{۱۲۵} در تخریب کیفری ساده، ناظر بر مواردی است که هدف یا خواسته مرتکب همانا از بین بردن یا خسارت رساندن به مال متعلق به دیگری باشد. اما قصد ضمنی^{۱۲۶} که به معنای پیش‌بینی حتمیت تقریبی^{۱۲۷} است، در جرم تخریب ساده، در شرایطی احراز می‌شود که متهم یکی از پیامدهای یادشده را به منزله نتیجه تقریباً حتمی رفتار ارتكابی اش پیش‌بینی کرده باشد. در این

۱۲۰. شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۱۰۱۵ مورخ ۱۸ دی ۱۳۹۲؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۲ (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵)، ۷۱۳-۷۱۴.

۱۲۱. شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۱۹۲ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴؛ پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۴، ۸۸-۹۰.

122. Intent to do the forbidden act.
123. Intention.
124. Recklessness.
125. Direct intention.
126. Oblique intention.
127. Foresight of a virtual certainty.

خصوص، باید متذکر شد که قصد مرتکب زمانی احراز می‌شود که از تعلق مال به غیر آگاه باشد. پس چنانچه شخصی مالی را به‌طور عمدی تخریب کند، درحالی‌که تصور می‌کند که مال متعلق به خودش است، قصدش احراز نمی‌شود.

باید افزود که هرگاه شخصی قصد انجام آنچه سبب تخریب می‌شود را داشته باشد، عنصر روانی‌اش برای تخریب کیفری ساده احراز می‌شود. در پرونده *سرای وریه* [۲۰۱۲]،^{۱۲۸} متهم با مازیک مشکی روی دو تابلوی پارکینگ که به‌وسیله مدیریت شرکت مربوط در املاکی قرار داده شده بودند که وی در آنجا زندگی می‌کرد، چیزی نوشت. متهم بیان کرد که قصد ایراد خسارت نداشته و درباره اینکه آیا خسارت وارد می‌شده یا خیر هم بی‌پروا نبوده است. وی به تخریب کیفری ساده محکوم شد، اما تجدیدنظرخواهی کرد. از آنجاکه متهم از قصد نوشتن برخوردار بود، دادگاه تجدیدنظر مقرر داشت که او قصد ایراد تخریب کیفری داشته است. در واقع، این پرونده مربوط به عملی با نتیجه قصدشده^{۱۲۹} بوده است. به عبارت دیگر، نوشتن چیزی روی تابلوها، در چهارچوب بند (۱) ماده ۱ قانون سال ۱۹۷۱ م. سبب ایراد خسارت می‌شود و لذا مرتکب قصد تخریب داشته است.

در مقابل، بی‌پروایی مجرمانه^{۱۳۰} نوعی از عنصر روانی است که متهم خطر صدمه را پیش‌بینی می‌کرده است، و در عین حال، پیش‌رفته و تن به خطر داده است.^{۱۳۱} در این زمینه، باید متذکر شد که بی‌پروایی به‌طور خاص در چهارچوب ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. در پرونده *گمل و ریچاردز* [۲۰۰۳]^{۱۳۲} شرح داده شده است. بر این اساس، در تشخیص اینکه آیا مرتکب در چهارچوب مفاد ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. با بی‌پروایی عمل کرده است یا خیر، باید به موارد زیر توجه شود:

- موقعیت؛ هنگامی که شخص از خطری که وجود دارد یا وجود خواهد داشت، آگاه باشد؛

- نتیجه؛ در زمانی که وی از خطری که روی خواهد داد، آگاه است و تن دادن به خطر در این اوضاع و احوال شناخته‌شده برای او نامعقول باشد.

128. Seray-Wurie [2012] EWHC 208 Admin.

129. An act with an intended result.

130. Criminal recklessness.

131. Jonathan Herring, *Criminal Law: The Basics* (London: Routledge, 2022), 20.

132. Gemmell and Richards [2003] UKHL 50.

بنابراین، احراز حالت ذهنی بی‌پروایی در تخریب کیفری ساده مستلزم اثبات این است که مرتکب از این خطر که مال چه‌بسا از بین برود یا خسارت ببیند، آگاه بوده، اما تن به خطر نامعقولی داده است. ناگفته پیداست که متهم بی‌پروا قصد خاص برای از بین بردن یا خسارت رساندن به مال متعلق به غیر ندارد، ولی از آنجاکه رفتار موردنظر را به‌طور عمدی انجام می‌دهد و از درجه هرچند پایین‌تری از آگاهی برخوردار است، باید پذیرفت که به‌نوعی با سوء نیت اقدام کرده است.

۵. مجازات تخریب کیفری ساده

در حقوق ایران، ارتکاب جرم احراق ساده، طبق قسمت انتهایی ماده ۶۷۶ و با لحاظ مفاد ماده ۱۰۴ قانون اخیر (اصلاحی ۱۳۹۹)، باعث محکومیت مرتکب به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه است. اما جرم تخریب ساده، به‌موجب قسمت انتهایی ماده ۶۷۷ و نیز ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۹) و تبصره آن، موجب محکومیت مرتکب به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه خواهد بود. البته چنانچه میزان خسارت واردشده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد، تخریب‌کننده به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت واردشده محکوم می‌شود. مجازات اخیر که از نوع جزای نقدی نسبی است، تعزیر درجه هفت به شمار می‌آید،^{۱۳۳} درحالی‌که مجازات حبس پیش‌گفته تعزیر درجه شش قلمداد می‌شود، لذا جرم موردبحث از جرایم تعزیری دودرجه‌ای است. باید تأکید کرد که هرگاه میزان خسارت واردشده بیشتر از یکصد میلیون ریال باشد، حبس تعزیری مقرر برای جرم تخریب ساده همچنان به قوت خود باقی است. در این راستا، باید دانست که معیار تعیین ارزش مال موضوع تخریب، براساس قیمت آن در زمان وقوع جرم است.^{۱۳۴}

اما در مواردی که شیء موردتخریب چیزهایی مانند عکس‌های خانوادگی باشد، از آنجاکه خسارت ناشی از تخریب آن‌ها بیشتر جنبه معنوی دارد، تعیین مجازات و درجه تعزیر بدون

۱۳۳. اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ به این استعلام که جرم تخریب که میزان خسارت ناشی از آن نود میلیون ریال باشد، در کدام درجه تعزیر قرار می‌گیرد و بدون کیفرخواست به دادگاه کیفری دو ارسال می‌شود یا اینکه باید با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شود، در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۴۰۱ مورخ ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ آورده است: «مجازات بزه تخریب در فرض سؤال، صرفاً جزای نقدی نسبی است و در مواردی که جرم فقط دارای مجازات جزای نقدی نسبی است، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ و لحاظ قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مستقیماً در دادگاه کیفری مطرح می‌شود.»

۱۳۴. اداره کل حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۶۱ مورخ ۱۴ دی ۱۳۹۹.

توجه به میزان خسارت‌های وارد شده صورت می‌گیرد. اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز اظهار داشته است که اشیایی نظیر عکس‌های خانوادگی که خسارت ناشی از تخریب آن‌ها جنبه مادی ندارد، از شمول بند (ت) ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ خارج است و در مورد تخریب عمدی آن‌ها، طبق مقررات ماده ۶۷۷ با لحاظ تبصره ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (الحاقی ۱۳۹۹) تعیین کیفر می‌شود.^{۱۳۵}

از این گذشته، طبق ماده ۶۷۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، اگر جرایم مذکور در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ همان قانون به وسیله مواد منفجره واقع شده باشند، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است. این مقرر که عامل مشدده‌ای را برای مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ پیش‌بینی کرده، بر پایه خسارت‌های زیادتری که ممکن است تخریب کیفری با مواد منفجره^{۱۳۶} به بار آورد، وضع شده است. بدیهی است که چنین پیامدی خطرهای بیشتری برای نظم و امنیت عمومی جامعه به وجود می‌آورد. اطلاق عبارت مواد منفجره در ماده ۶۷۸ حاکی از این است که تفاوتی ندارد که مرتکب از چه نوع ماده منفجره‌ای (شامل مواد منفجره نظامی که در ساخت محصولات نظامی به کار می‌روند، از قبیل تی‌ان‌تی و مواد منفجره غیر نظامی که در فعالیت‌های استخراج معدن و طرح‌های عمرانی استفاده می‌شوند، مانند انواع باروت سیاه، فتیله انفجاری و دینامیت) برای ارتکاب جرم تخریب یا احراق ساده استفاده کند.

در نظام کیفری انگلستان و ویلز، مجازات جرایم تخریب در ماده ۴ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. پیش‌بینی شده است. این ماده اعلام می‌دارد:

- «(۱) شخص مقصر به احراق، مطابق با ماده ۱ بالا یا جرم بند (۲) ماده ۱ در بالا (خواه احراق باشد خواه نباشد)، باید در محکومیت برحسب کیفرخواست مشمول حبس ابد شود؛
- (۲) شخص مقصر به هر جرم دیگری طبق این قانون، باید در محکومیت برحسب کیفرخواست، مشمول حبس برای مدتی شود که متجاوز از ده سال نباشد.»

باید توجه داشت که اطلاق عبارت هر جرم دیگری طبق این قانون در بند (۲) ماده بالا حاکی از این است که تمامی جرایم پیش‌بینی شده در قانون مورد بحث که زیر عنوان احراق قرار نگیرند، شامل جرم تخریب ساده به موجب بند (۱) ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. در

۱۳۵. اداره کل حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۷۹۴ مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۹؛ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۸۵۸ مورخ ۱۸ آبان ۱۳۹۹.

136. Criminal damage by explosives.

محکومیت برحسب کیفرخواست^{۱۳۷} مشمول حداکثر ده سال حبس می‌باشند. افزون‌براین، حبس ابد به‌موجب بند (۱) ماده ۴ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م.، در حالی اعمال می‌شود که تنها فرق بین جرم تخریب ساده و احراق ساده این است که تخریب کیفری به‌وسیله آتش صورت می‌گیرد. ازاین‌رو، کمیسیون حقوقی در یکی از گزارش‌های خود، پیشنهاد لغو جرم مجزای احراق را داده، ولی پارلمان با چنین پیشنهادی موافقت نکرده است. یک دلیل حفظ اتهام احراق، خواست عمومی برای بدنام کردن متهمی است که مال متعلق به غیر را آتش می‌زند. دلیل دیگر این است که آتش‌سوزی‌ها اغلب توسط افراد دیوانه به راه انداخته می‌شوند، لذا باید از جامعه در مقابل آن‌ها حمایت گردد. دیدگاه مخالف در این زمینه استدلال می‌کند که اشخاص مبتلا به جنون آتش‌افروزی^{۱۳۸} بنابر تعریف، نمی‌توانند مانع خودشان برای ایجاد آتش‌سوزی شوند و زندان بعید است که آن‌ها را درمان کند.^{۱۳۹}

۶. وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های کیفری

تحلیل عنصرهای سازنده تخریب کیفری ساده در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز، به شرحی که گذشت، وجوه افتراق و اشتراک این نظام‌ها را روشن می‌سازد. این موارد به‌اختصار در جدول زیر به تصویر کشیده می‌شوند:

الف. عنصر قانونی
در حقوق ایران، جرم تخریب ساده که ممکن است از طریق آتش زدن نیز ارتکاب یابد، در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است. در حقوق انگلستان و ویلز نیز تخریب کیفری ساده (شامل احراق) در ماده ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. مقرر شده است، و در واقع، جرمی مبتنی بر قانون مدون محسوب می‌شود.
ب. عنصر مادی
۱. در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار به رفتار مجرمانه مشخصی اشاره نکرده، بلکه از اثری یاد کرده است که با رفتارهای گوناگونی تصورپذیر است. باوجوداین، تخریب کیفری گرچه در اغلب موارد با رفتار ایجابی (فعل) ارتکاب می‌یابد، اما تحقق آن به‌وسیله رفتار سلبی (ترک فعل) نیز امکان‌پذیر است. در حقوق کیفری

137. Conviction on indictment.

138. Pyromaniacs.

139. Jefferson, *Criminal Law*, 594.

<p>انگلستان و ویلز نیز وضعیت کمابیش مشابهی صادق است.</p> <p>۲. در نظام حقوقی ایران، شرایط پیرامونی تخریب کیفری ساده عبارت‌اند از: موضوع احراق باید اشیای منقولی باشد که مشمول ماده ۶۷۵ نمی‌شوند (در ماده ۶۷۶)، یا موضوع تخریب، اشیای منقول یا غیرمنقول باشد (ماده ۶۷۷) و اشیای مذکور متعلق به دیگری باشند (مواد ۶۷۶ و ۶۷۷). اما در نظام حقوقی انگلستان و ویلز، شرایط پیرامونی تخریب کیفری ساده (شامل احراق) عبارت‌اند از اینکه موضوع جرم باید مال باشد و مال متعلق به دیگری باشد. البته شرط دیگری که باید ثابت شود، این است که مرتکب عذر قانونی نداشته باشد.</p> <p>۳. در ایران، انگلستان و ویلز، تخریب کیفری ساده جرایم مقید به شمار می‌آید. نتایج حاصله در ایران شامل آتش گرفتن (در ماده ۶۷۶)، تخریب، تلف شدن و یا از کار افتادن (در ماده ۶۷۷) می‌شود، حال آنکه در انگلستان و ویلز، دربرگیرنده از بین رفتن یا خسارت دیدن مال است.</p>
<p>پ. عنصر روانی</p>
<p>در نظام کیفری ایران، در تخریب کیفری ساده (شامل احراق)، لازم است هم قصد عام و هم قصد خاص مرتکب به اثبات برسد. در مقابل، در نظام کیفری انگلستان و ویلز، اثبات یکی از حالت‌های ذهنی قصد یا بی‌پروایی در متهم، برای احراز عنصر روانی تخریب کیفری کافی است.</p>
<p>ت. مجازات</p>
<p>در حقوق کیفری ایران، ارتکاب جرم احراق ساده باعث محکومیت مرتکب به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه است و جرم تخریب ساده موجب محکومیت مرتکب به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه خواهد بود. البته چنانچه میزان خسارت وارد شده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد، تخریب‌کننده به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارد شده محکوم می‌شود. اما در حقوق کیفری انگلستان و ویلز، شخص مقصر به احراق مشمول حبس ابد می‌شود، درحالی‌که شخص مقصر به تخریب ساده مشمول حبس برای مدتی خواهد شد که متجاوز از ده سال نباشد.</p>

۷. نتیجه‌گیری

بررسی عنصرهای سازنده تخریب کیفری ساده در نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ویلز حکایت از آن دارد که برخی نقص‌ها در رویکرد اتخاذی در راستای مقابله با تخریب‌گران یافت می‌شوند که تلاش برای رفع آن‌ها ضروری است. بر این اساس، راهکارهای زیر به قانون‌گذار

ایرانی پیشنهاد می‌شود:

- تفکیک دقیق و بدون ابهام بین رفتار مجرمانه و نتیجه حاصله؛ قانون‌گذار ایرانی در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷، با استفاده از عبارتهای «آتش بزند» و «تخریب نماید یا به هر نحو، کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد»، موجب برخی ابهام‌ها در تفکیک رفتار مجرمانه از نتیجه حاصله شده است. این در حالی است که اصل وضوح در تدوین و وضع مقررات کیفری، اقتضا دارد که عبارتهای به‌کاررفته در قوانین مصوب، مبهم و اختلاف‌برانگیز نباشند. بنابراین، ضرورت دارد که در راستای تدوین مقررات کیفری روشن و واضح، مقرره‌های یادشده را با افزودن عبارتی مانند «با هر رفتاری موجب تخریب، تلف و یا آتش گرفتن اشیای دیگری شود» وضوح ببخشد، و به این وسیله، از اختلاف‌نظر در خصوص مطلق یا مقید بودن جرم تخریب هم جلوگیری کند. بدیهی است که اعتقاد به مطلق یا مقید بودن تخریب کیفری بحثی صرفاً نظری نیست و در احراز تحقق عنصر مادی آن و صدور رأی کیفری تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، زمانی که جرمی مقید باشد، به دلیل لزوم احراز نتیجه مجرمانه در آن، اثبات تحقق عنصر مادی جرم، و به تبع آن، صدور حکم محکومیت دشوارتر می‌شود، حال آنکه جرایم مطلق، بدون اثبات این جزء از عنصر مادی تحقق‌پذیر هستند و لذا صدور حکم محکومیت در آن‌ها با دشواری کمتری مواجه است.

- پذیرش بی‌پروایی به‌منزله عنصر روانی جرم تخریب کیفری ساده؛ در ایران، دو گونه اصلی عنصر روانی عبارت‌اند از قصد و تقصیر جزایی (اعم از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی). اما در انگلستان و ویلز، به‌طور معمول از سه نوع حالت ذهنی سخن به میان می‌آید: قصد، بی‌پروایی و بی‌احتیاطی. با توجه به اینکه بی‌پروایی نوعی حالت ذهنی کمتر از قصد و بالاتر از تقصیر جزایی تلقی می‌شود، به نظر می‌رسد که در راستای مقابله مؤثرتر با مرتکبان تخریب کیفری ساده، لازم است قانون‌گذار ایرانی نیز حالت ذهنی پیش‌گفته را به‌طور مستقلاً در قانون منعکس سازد، به‌ویژه از آن رو که حالت ذهنی بی‌پرواها به حالت ذهنی کسانی که در ارتکاب جرم عامد می‌باشند، نزدیک است. توضیح بیشتر اینکه شخص بی‌پروا تحقق نتیجه مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند، ولی تن به خطر می‌دهد و موجب وقوع جرم می‌شود، درحالی‌که فرد از لحاظ جزایی مقصر (اعم از بی‌احتیاط یا بی‌مبالات) در پیش‌بینی وقوع نتیجه مجرمانه کوتاهی می‌کند. اگرچه پیش‌بینی وقوع نتیجه مجرمانه (از جانب بی‌پروا) درجه پایین‌تری از خواستن تحقق نتیجه یا علم به وقوع آن (از سوی مرتکب عامد) است، بی‌پروایی حالت ذهنی کمابیش نزدیک به قصد محسوب می‌شود و لذا به رسمیت شناختن آن به‌طور جداگانه

ضرورت دارد.

- تجميع مصاديق تخريب كيفري ساده (شامل احراق ساده) در يك ماده قانوني؛ قانون‌گذار انگليسي و ويلزي تخريب كيفري در مفهوم عام و برخي مقرره‌هاي مرتبط با آن را در قانون تخريب كيفري ۱۹۷۱م. پيش‌بيني کرده است. مناسب است كه قانون‌گذار ايراني نيز با حذف و يا تجميع برخي مقرره‌هاي مربوط به تخريب كيفري ساده، مبادرت به پيش‌بيني جرم تخريب كيفري ساده (شامل احراق) با قلمروي گسترده‌تر و کاهش مواد قانوني مربوط كند. چنين رويكردي موجب مي‌شود كه ازدياد مواد قانوني کاهش يابد و از سردرگمي و اختلاف نظرهابي كه ممكن است در تطبيق مواد قانوني گوناگون بر اعمال تخريگران پيش آيد، جلوگيري مي‌كند.



سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۱۱۷۸/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۵ تیر ۱۴۰۱.
- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۱۴۶۱/۷/۹۹/۱۴ مورخ ۱۴ دی ۱۳۹۹.
- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۱۷۹۴/۷/۹۹/۱۷ اسفند ۱۳۹۹.
- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۴۰۱/۷/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۰ مرداد ۱۴۰۰.
- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۴۹۸۳/۷/۱۴۰۰ مورخ ۱۶ مهر ۱۳۸۴.
- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۸۵۸/۷/۹۹/۱۸ آبان ۱۳۹۹.
- اداره کل حقوقی قوه قضاییه. نظریه مشورتی شماره ۸۶/۷/۱۴۰۰/۸۶ مورخ ۲۸ تیر ۱۴۰۰.
- انوری، حسن و دیگران. فرهنگ بزرگ سخن. جلد ۳ و ۴، تهران: سخن، ۱۳۹۳.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، بهمن ۱۳۹۱. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، اسفند ۱۳۹۱. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۲. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، تابستان ۱۳۹۳. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۶.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، مهر، آبان و آذر ۱۳۹۳. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۴. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۴۰۲.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، بهمن ۱۳۹۱. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۳.
- پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور. مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، سال ۱۳۹۲. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۵.
- جز، خلیل. فرهنگ لاروس عربی به فارسی. ترجمه سید حمید طبیبیان، جلد ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد ۱، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸.

- حیدری، بهروز، و فرزانه علی‌محمدی. مرجع کامل داروهای ژنریک ایران. تهران: حکیم هیدجی، ۱۳۹۳.
- زراعت، عباس. شرح قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات-۳. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸.
- زند، محمدرضا. رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور کیفری. جلد ۷: سرقت، خیانت در امانت، صدور چک بلامحل و تخریب، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۲۳۶ مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۵.
- شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۱۵۴۹ مورخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۱.
- شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۰۶۱۵ مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۹۳.
- شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۴۲۵ مورخ ۱۸ بهمن ۱۳۹۱.
- شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۶۶۷ مورخ ۲ شهریور ۱۳۹۳.
- شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۴۱۳ مورخ ۱ تیر ۱۳۹۴.
- شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۸۳۸ مورخ ۱۰ آبان ۱۳۹۴.
- شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۰۱۹۲ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴.
- شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۱۰۱۵ مورخ ۱۸ دی ۱۳۹۲.
- شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۰۲۵۰ مورخ ۴ خرداد ۱۳۹۴.
- شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۱۵۹ مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲.
- شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۸۰۱۶۹۶ مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۱.
- شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۷۰۱۱۸۸ مورخ ۲۳ مهر ۱۳۹۳.
- صفایی، سید حسین. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال. جلد ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- قانون جرایم رایانه‌ای، ۱۳۸۸.
- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ۱۳۹۹.
- قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲.
- قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵.
- قانون مدنی.
- محقق داماد، سید مصطفی. قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت‌مسئولیت). تهران: مرکز نشر علوم

تخریب کیفی ساده در نظام‌های حقوقی ایران... / اعتمادی ۱۰۵

اسلامی، ۱۴۰۰.

معاونت آموزش قوه قضاییه (مرکز تحقیقات فقهی). مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری.

جلد ۱، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.

میرمحمد صادقی، حسین. جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران: میزان، ۱۳۹۹.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه شماره ۱۰ مورخ ۲۱ مهر ۱۳۵۵.

هیئت وزیران، تصویب‌نامه شماره ۵۶۲۶۱/ت۶۲۲۹۸ه. درخصوص اصلاح میزان مبالغ مربوط به

جرایم و تخلفات مندرج در قوانین مختلف، مورخ ۴ تیر ۱۴۰۳.

ب- منابع لاتین:

Blake v DPP [1993] Crim LR 586.

Carr, Claudia, and Maureen Johnson. *Beginning Criminal Law*. London: Routledge, 2013.

Cox v Riley [1986] Crim LR 460.

Cresswell and Currie v DPP [2006] EWHC 3379 (Admin).

Criminal Damage Act 1971.

"Crime in England and Wales: year ending December 2019." *Office for National Statistics* (2020).

"Crime in England and Wales: Year ending March 2020." *Office for National Statistics* (2020).

De Than, Claire, and Russell Heaton. *Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press, 2013.

Drayton [2005] EWCA Crim 2013.

Finch, Emily, and Stefan Fafinski. *Law Express: Criminal Law*. Harlow: Pearson Education Limited, 2011.

Gayford v Chouler [1898] 1 QB 316, DC.

Geary, Roger. *Understanding Criminal Law*. London: Cavendish Publishing Limited, 2002.

Gemmell and Richards [2003] UKHL 50.

Gifis, Steven H. *Law Dictionary*. New York: Barron's Educational Series, Inc. 2011.

Hardman and Others v Chief Constable of Avon and Somerset Constabulary [1986] Crim LR 330.

- Hartley, Mark (ed.). *Ilackooness Police Operational Handbook 2017*. Oxford: Oxford University Press, 2016.
- Henderson and Battley [1984] unreported, CA.
- Hendy, John, and Odette Hutchinson. *Optimize Criminal Law*. London: Routledge, 2015.
- Herring, Jonathan. *Criminal Law*. Hampshire: Palgrave Macmillan, 2011.
- Herring, Jonathan. *Criminal Law: Text, Cases and Materials*. Oxford: Oxford University Press, 2012.
- Herring, Jonathan. *Criminal Law: The Basics*. London: Routledge, 2022.
- Hill [1988] 89 Cr App R 74, CA.
- Hunt [1977] 66 Cr App R 105.
- Jefferson, Michael. *Criminal Law*. Harlow: Pearson Education Limited, 2015.
- Law, Jonathan (ed.). *A Dictionary of Law*. Oxford: Oxford University Press, 2022.
- Martin, Jacqueline, and Tony Storey. *Unlocking Criminal Law*. London: Routledge, 2015.
- Martin, Jacqueline. *Criminal Law: Key Facts-Key Cases*. London: Routledge, 2014.
- Miller [1983] 2 AC 161.
- Molan, Mike. *Cases and Materials on Crimianl Law*. London: Routledge, 2008.
- Roe v Kingerlee [1986] Crim LR 735.
- Roper v Knott [1898] 1 QB 868, DC.
- Seray-Wurie [2012] EWHC 208 Admin.
- Storey, Tony, and Alan Lidbury. *Criminal Law*. London: Routledge, 2009.
- Wilson, William. *Criminal Law*. Harlow: Pearson Education Limited, 2017.